

گزارش

مصرف بالای مخدرها در کارگران ورانندگان

تا پایان دوره قاجار، تریاک حدود ۲۵ درصد از کل درآمد صادراتی ایران را تشکیل می‌داد و حتی در دوره پهلوی اول، بیش از آغاز صادرات نفت، مهم‌ترین منبع ارزآور کشور باقی ماند. اما این «روق» بهایی سنگین داشت. گسترش کشت خشخاش، در کنار خشک‌سالی، از عوامل دو قحطی بزرگ تاریخ ایران در سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۹۱۷ بود. کنسول بریتانیا در بوشهر می‌نویسد: «چند سال قبل سود حاصله از تریاک توجه ایرانیان را جلب کرد و تقریباً تمامی اراضی مناسب در یزد، اصفهان و جامای دیگر به کشت خشخاش اختصاص یافت. کشت غلات و سایر محصولات پشت گوش انداخته شد و همین امر، در کنار خشک‌سالی، موجب قحطی سال ۱۸۷۱-۱۸۷۲ گردید.»

افزون بر این، چنین کشت و تولید گسترده‌ای، دسترسی به مصرف داخلی را چنان آسان کرد که در برخی از مقاطع زمانی برآوردهای غیررسمی حکایت از شیوع ۱۰درصدی مصرف تریاک در جمعیت کل کشور داشت. بنابراین، تریاک از نگاهی دیگر «اقتصاد سیاسی توسعه و فاجعه» توانام بود: از یک سو منبع درآمد و نشانه مدرن‌سازی؛ از سوی دیگر عامل فقر، قحطی و نابودی کشاورزی معیشتی.

سرمایه‌داری تریاک‌محور

در میانه قرن نوزدهم، بندر بوشهر نه‌فقط دروازه جنوب ایران، بلکه یکی از کره‌های اصلی شبکه جهانی تجارت تریاک بود. در این شبکه، خاندان ساسون نقشی کلیدی داشتند؛ خانواده‌ای یهودی بغدادی که پس از سقوط بغداد در دهه ۱۸۲۰ میلادی، تجارت خود را از بصره به بمبئی و سپس به خلیج فارس گسترش دادند. ساسون‌ها که گاه از آنها با عنوان «روچلدهای شرق» یاد می‌شود، واسطه اصلی میان کمپانی هند شرقی، بازارهای چین و تولیدکنندگان محلی در ایران و هند بودند. آنها با استفاده از ناوگان انگلیسی و نفوذ سیاسی بریتانیا، تجارت تریاک از بوشهر و بندر جنوبی ایران به شرق آسیا را سازمان دادند. بوشهر در این دوران به بندر ترانزیتی مهمی برای تریاک فلات مرکزی ایران (به‌ویژه اصفهان و یزد) تبدیل شد و عامل پیوند اقتصاد ایران با مدار جهانی تریاک شد. در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، ساسون‌ها بخش مهمی از سود خود را به سرمایه‌گذاری مالی منتقل کردند و از مؤسسان و سهام‌داران اولیه بانک هنگ‌کنگ و شانگهای (HSBC) بودند؛ بانکی که در سال ۱۸۶۵ با هدف پشتیبانی مالی از تجارت میان هند، چین و بریتانیا تأسیس شد. این بانک، در واقع، نهاد مالی مدرنی بود که از دل تجارت تریاک زاده شد.

به‌این‌ترتیب، از مسیر اصفهان و بوشهر تا هنگ‌کنگ، شبکه‌ای از سرمایه شکل گرفت که بدن‌های متعارد در شرق آسیا و کشاورزان خشخاش‌کار در ایران و هند، زیربنای مادی آن را فراهم کردند. حضور خاندان ساسون در این چرخه، نماد نبیوند استعمار، سرمایه مالی و کالایی به نام تریاک است؛ کالایی که سودش در لندن و هنگ‌کنگ انباشته شد و رنجش در اصفهان و شانگهای.

پس از انحلال کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۷۴، دولت هند بریتانیا مستقیماً کنترل تجارت تریاک ایران را از بندر بوشهر ادامه داد. بدین‌ترتیب، ایران در اواخر قرن نوزدهم به حلقه‌ای از اقتصاد جهانی تریاک تبدیل شد؛ اقتصادی که با سلطه استعماری، نابرابری و وابستگی در هم تنیده بود. این تجربه، نوع خاصی از مدرنیته ایرانی را بنیان گذاشت: مدرنیته‌ای تریاک‌محور. مدرنیته‌ای که سوختش از کشت و صادرات ماده‌ای می‌آمد که هم‌زمان بدن‌ها را ویران و دولت را تغذیه می‌کرد. از همین منظر، می‌توان گفت که بدن معتاد در تاریخ ایران، هم قربانی و هم بنیان‌گذار مدرنیته بوده است.

بدن معتاد و زیست‌سیاست کار

در نظام سرمایه‌داری، بدن کارگر فقط منبع ارزش است و کنترل آن، اساس قدرت اقتصادی. بدن معتاد، در این میان، بدن انضباط‌یافته‌ای است: بدنی که برای تولید باید مصرف کند و برای مصرف باید تولید کند. در ایران، سیاست‌های رسمی در حوزه اعتیاد بر «مدیریت بدن‌ها» متمرکز است. از کمپ‌های بازپروسی تا توزیع متادون، همه در چارچوب نظارتی خاصی عمل می‌کنند. در ظاهر، هدف سلامت است؛ اما در واقع، هدف، بازگرداندن نیروی کار به چرخه تولید. این همان زیست‌سیاست مدرن است: کنترل بدن‌ها از طریق سلامت. بدن معتاد، اگرچه ظاهراً در حاشیه است، اما در حقیقت در قلب سازوکار قدرت قرار دارد. دولت و جامعه هم‌زمان او را طرد و مدیریت می‌کنند. این پارادوکس باعث می‌شود اعتیاد نه ناپهنجاری، بلکه جزئی از نظم اجتماعی باشد. درمان اعتیاد نیز بخشی از همان چرخه قدرت و ارزش است. در بسیاری از برنامه‌های ترک، هدف نهایی بازگشت فرد به «زندگی مولد» است؛ یعنی بازگرداندن بدن به کار. دارو، روان‌درمانی و کمپ‌ها، هرچند در ظاهر ابزار رایجی‌اند، اما در سطح ساختاری ابزار بازتولید نیروی کار محسوب می‌شوند. از این منظر، صنعت درمان اعتیاد، همچون خود مواد، در مدار سرمایه عمل می‌کند. هر چه بحران اعتیاد گسترده‌تر باشد، بازار درمان و پژوهش و دارو نیز پربرون‌تر می‌شود.

بازاندیشی در علت‌شناسی اعتیاد

علت‌شناسی رایج اعتیاد معمولاً سه سطح را در برمی‌گیرد: زیستی، روانی و اجتماعی. اما در بیشتر رویکردهای رسمی، سطح اجتماعی به حداقل می‌رسد. تمرکز بر ژن، مغز یا خانواده، مسئله را به سطح فردی تقلیل می‌دهد و ساختارهای توتلیکنده رنج را پنهان می‌کند.

در حالی‌که اعتیاد، پیش از آنکه انتخاب فردی باشد، پاسخ بدن به خشتی ساختاری است، خشونت فقر، کار فرساینده، بی‌ثباتی و بی‌عدالتی، کارگر فصلی که برای ادامه حیات کاری‌اش تریاک مصرف می‌کند، در واقع با بدن خود به نابرابری پاسخ می‌دهد. از این نگاه، بدن معتاد نه «بیمار»، بلکه «شاهد» است؛ شهادی بر ساختاری که انسان را تا مرز فرسودگی می‌راند. بدین‌ترتیب، از تجارت جهانی تریاک در قرن نوزدهم تا مصرف مواد در کارخانه‌ها و معادن امروز، تاریخ واحدی در جریان است: تاریخ پیوندکار، سرمایه و بدن معتاد. تریاک، نخست کالای استعماری بود که اروپا را ثروتمند کرد، سپس کالای ملی ایران شد که دولت را تغذیه کرد و امروز، کالای پنهانی است که نیروی کار را سرپا نگه می‌دارد. در همه این دوره‌ها، یک منطق ثابت برقرار است: استخراج ارزش از رنج بدن. بدن معتاد، بدن کارگر، بدن مستعمر، همه در مدار یک اقتصاد جهانی می‌چرخند که از ویرانی، سود می‌سازد. در ایران، مدرنیته تریاک‌محور قرن نوزدهم، امروز در شکل تازه‌ای بازتولید شده است: اقتصاد تئولیبرالی و غیررسمی که در آن بدن‌های فرسوده، با مصرف مواد، بقای خود را می‌خرند. بنابراین، سیاست واقعی مقابله با اعتیاد نه صرفاً درمان فردی، بلکه بازسازی ساختار اجتماعی و اقتصادی است: توزیع عادلانه‌تر ثروت، اصلاح شرایط کار، دستمزد منصفانه و بازگرداندن کرامت به بدن و روان انسان و سلامت اجتماعی او. شاید اکنون بیش از هر زمان دیگری لازم باشد در حاشیه گفتمان اخیر صاحب‌نظران که پیرامون کشت خشخاش شکل گرفته؛ پیش از هرگونه تصمیم‌گیری نهایی در این باره، درنگی عمیق از جنس تاریخ و اقتصاد سیاسی داشته باشیم؛ زیرا این درنگ، اجتناب‌ناپذیری اعظم است.

گفت‌وگوی «شرق» با کارشناسان و فعالان حوزه اعتیاد درباره ماجرای «افزایش اعتیاد به الکک نسبت به تریاک»

مصرف همیشه بالا بود؛ آمار نداشتیم

دو تا سه سال اخیر، باراه اندازی مراکز درمان اعتیاد به الککل در کشور و افزایش مراجعه این افراد، آمارها شفاف‌تر شده است

نسترن فرخه

نخواست. چند ماه قبل از بعضی دوستانم شنیدم که اوضاعش بدتر هم شده و نمی‌دانم اصلاً الان زنده است یا نه.

دو چهره اعتیاد

فضای عرفی و قانونی در ایران بر مصرف پنهانی الککل اثر دارد. محدودیت‌های قانونی و تابوهای فرهنگی باعث شده بسیاری از مصرف‌کنندگان در خلوت یا در میهمانی‌های کوچک آن را مصرف کنند. همین موضوع می‌تواند خطرناک‌ترین وجه ماجرا باشد؛ چون بخش زیادی از الککل مصرفی در کشور از نوع دست‌ساز یا تقلبی است و همین امر هر سال جان صدها نفر را می‌گیرد. با این حال عوارض اعتیاد به الککل و تریاک هم متفاوت است. طبق اطلاعات کارشناسی‌شده، تریاک بیشتر سیستم عصبی مرکزی را هدف قرار می‌دهد و به مرور باعث کاهش سطح هوشیاری، وابستگی شدید جسمی و کندی عمومی بدن می‌شود. اما الککل تخریب گسترده‌تری دارد؛ به شکلی که سالانه شاهد مسومیت و مرگ هزاران نفر از مصرف‌کنندگان الککل اثر دارد. هرکدام به شکلی بدن و روان فرد را تخریب می‌کند تا رو به نابودی برود. اما بر اساس داده‌های سازمان بهداشت جهانی اعتیاد به الککل تخریب بیشتری دارد و این تخریب در ایران به دلیل وجود الککل‌های بی‌کیفیت و درصد بالا اوج بیشتری دارد؛ به شکلی که سالانه شاهد مسومیت و مرگ بسیاری بر اثر مصرف همین نوشیدنی‌ها هستیم. طبق گزارش‌هایی که مسئولان قضائی و اورژانس‌های هفت استان کشور طی یک ماهه اخیر ارائه کرده‌اند، از اول خرداد تا ۱۲ تیر، بیش از ۳۰۹ نفر از شهروندان بر اثر نوشیدن مشروبات الکلی حاوی متانول مسموم شده و بیش از ۳۱ نفر از مسموم‌شده‌ها فوت کرده‌اند. همچنین در تازه‌ترین اظهارات وزارت بهداشت، اعلام

شده که اعتیاد به الککل بیشتر از تریاک شده است. در حالی که کارشناسان حوزه اعتیاد به «شرق» توضیح می‌دهند، این داده‌ها جدید نیست و از سال‌ها قبل مصرف‌کنندگان الککل بیشتر از مخدرها بودند ولی به دلیل نداشتن مرکز درمان اعتیاد الککل و نبود پایش دقیق، آماری در دسترس نبوده است.

چرا همیشه چشمان محمد قرمز است؟

«خوش هم رنج می‌برد، اما آنچه من تحمل می‌کنم خیلی دشوارتر است»؛ این حرف‌های سکون‌های زن جوانی است که همسرش به مصرف الککل اعتیاد دارد. او زندگی‌اش را به طنایی پوسیده تشبیه می‌کند که هر روز ترس پاره‌شدنش را دارد: «همسر را دوست دارم که در این زندگی ماندم. شاید

هم یک دیوانگی کامل باشد. از همان دوران دوستی می‌دیدم که توانایی در احساسات و کنترل هیجاناتش ندارد. یک روز با خشونت رفتار می‌کرد و دیگر روز برلیم دسته‌گلی بزرگ می‌خرد و به دیدنم می‌آمد. چون رفتارهایش غیرقابل پیش‌بینی بود، همیشه در ارتباط با او ترس داشتم. به هر ترتیب ازدواج کردیم. با این حال همه چیز بد و بدتر شد. مادرم یک بار به من گفت فاطمه چرا همیشه چشمان محمدعلی قرمز است؟». سوآلش را جدی نگرفتم و بعداً متوجه شدم به دلیل مصرف همیشگی الککل این‌طور است.

صورتش همیشه قرمز بود، گر گرفته و عصبی، اما من نمی‌فهمیدم. در ۲۳سالگی عقد کردیم و شروع بحران‌های من همان زمان بود. یک روز بدون هیچ دلیلی عصبانی شد و در همان روزهایی که در حال چیدن خانه‌ام بودیم، با کلدان به من حمله کرد، جاکالی دادم و تلویزیونی که تازه از جعبه درآورده بودیم، شکست. چند روز بعد با محبت خیلی زیاد من را بیرون برد تا آن روز را جبران کند. شب موقع برگشتن دوباره دعوا کرد و دوباره این چرخه تکرار شد». فاطمه فقط چند روایت کوتاه از هفت سال زندگی با همسرش را تعریف می‌کند: «ماجرای‌های این چنین ما زیاد است. تا الان جرئت نداشته‌ام به او پیشنهاد بدهم الککل را ترک کند. فقط یک بار آن‌هم بعد از یک دعای اساسی گفتم این کوفتی را کنار بگذار که همه چیز بدتر شد». گاهی احساس می‌کنم گم عالم بر دوش من است و من چاره‌ای جز ادامه‌دادن ندارم.

تش زرد بود و به‌زور حرف می‌زد

«امیرحسین» اما روایت دیگری دارد؛ جوان ۳۵ساله‌ای که سال‌ها شاهد از بین رفتن دوستش با اعتیاد به الککل بوده است. این جوان هم در همین موضوع ارتباط آنها را برای همیشه تمام کرد: «از دوستان دوران دبیرستان هم بودیم. پسر خوش‌قیافه‌ای بود و اعتیاد به الککل چهره‌اش را هم تحت تأثیر قرار داده بود. در اوج جوانی همیشه صورت برافروخته‌ای داشت و پیرتر از ما به نظر می‌رسید. حتی چند بار خانواده‌اش تلاش کردند ترکش دهند اما این پروسه آن‌قدر برایش سخت بود که بعد از سه ماه دوباره شروع به مصرف کرده بود. عصبی و تندمزاجی‌اش باعث شده بود تا جدا از خانواده زندگی کند. من به عنوان دوست کنارش بودم تا اینکه به دستش در کنار الککل، قرض شیمیایی و حشمت هم مصرف می‌کند». امیرحسین از آخرین دیدارش با رفیق دوران نوجوانی‌شود می‌گوید: «یک روز به قصد سرزدن به خانه‌اش رفتم. شرایط خیلی بدی پیدا کرده بود، وسط خانه پتویی انداخته بود و کنارش چند شیشه عرق سگی چیده بود. تش زرد بود و به‌زور حرف می‌زد، از او خواستم این شکل زندگی را کنار بگذار که دعولیمان شد و من را از خانه بیرون کرد. بعد از آن چند بار تلاش کردم او را ببینم ولی

مصرف الککل برایشان به نشانه‌ای از قدرت و هویت تبدیل می‌شود؛ گویی با این کار احساس توانمندی بیشتری می‌کنند یا می‌توانند از خود دفاع کنند. همچنین باید اشاره کنم که این مسئله بیشتر در میان کودکانی دیده می‌شود که از مسیر رشد طبیعی خود خارج شده‌اند؛ کودکانی که به‌موقع وارد فضای آموزشی و مدرسه نشده‌اند یا از فعالیت‌های سازنده مانند ورزش و هنر دور مانده‌اند. این پدیده، میان کودکانی که سال‌ها در خیابان کار کرده‌اند و ساعت‌های طولانی در فضای نامناسب و ناامن مشغول به کار هستند نیز عیان است که بالطبع موجب گرایش بیشتر آنها به این آسیب‌ها می‌شود».

این روان‌شناس در نهایت به اهمیت فهم آسیب‌های اجتماعی پیش‌روی کودکان و عمق آنها که هر روز بر آن افزوده می‌شود، از سوی جامعه اشاره کرده و می‌گوید تا زمانی که کودکان از مسیر طبیعی حقوق و رشد خود در سایه شرایط ناپایمان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دور شوند، کاهش سن مصرف به انواع مواد و مشروبات الکلی امری بدیهی و روزافزون خواهد بود.

مصرف الککل همیشه بیشتر از تریاک بوده

چند روز قبل سرپرست دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت اعلام کرده بود مصرف الککل به‌جای تریاک در حال افزایش است. بااین‌حال، سعید صفاتیان، کارشناس حوزه اعتیاد که چند سالی است در این حوزه فعالیت می‌کند، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید دارد این داده‌ها جدید نیست و توضیح می‌دهد: «به نظر من، عدد و آماری که وزارت بهداشت اعلام کرده است، چیز جدیدی نیست. از گذشته نیز تعداد مصرف‌کنندگان الککل از مواد مخدر بیشتر بوده، اما چون گزارش‌گیری در این زمینه دشوارتر است، این موضوع کمتر به صورت رسمی مطرح می‌شد. از طرف دیگر، تا چند سال پیش مراکز درمانی ویژه مصرف‌کنندگان الککل وجود نداشت و بیمارستان‌ها نیز برای درمان این افراد اقدام نمی‌کردند؛ به همین دلیل آمار آنها همیشه پنهان باقی می‌ماند. در دو تا سه سال اخیر، با راه‌اندازی مراکز درمان اعتیاد به الککل در مناطق مختلف کشور، این موضوع باعث می‌شود عوارض جسمی و روانی در افراد بسیار زودتر و شدیدتر بروز کند. بااین‌حال، صفاتیان درباره فعالیت مراکز درمانی ترک الککل می‌گوید: «حدود چهار تا پنج سال است که این مراکز در کشور ایجاد شده‌اند. پیش از آن، یعنی تا حدود ۱۰ سال پیش، در ایران مرکز درمانی خاصی برای مصرف‌کنندگان الککل وجود نداشت. در حال حاضر، این مراکز در مناطق مختلف کشور فعال هستند و محدود به یک یا دو شهر خاص نیستند. بااین‌حال، سازمان جهانی بهداشت حدود سه تا چهار سال پیش گزارشی منتشر کرد که بر بررسی عوارض اجتماعی انواع مواد پرداخت؛ ازجمله مواد مخدر، روان‌گردان‌ها و الککل. در آن گزارش، مشخص شد عوارض اجتماعی مصرف الککل بسیار بیشتر از مواد مخدر ازجمله هروئین یا روان‌گردان‌هاست. به تبع آن، عوارض جسمی الککل نیز شدیدتر است. افرادی که به مصرف الککل یا درصد بالا اعتیاد پیدا می‌کنند، تخریب جسمی بیشتری نسبت به مصرف‌کنندگان تریاک یا مواد روان‌گردان دارند. این افراد از نظر روانی نیز آسیب‌های جدی‌تری را تجربه می‌کنند. درمان اعتیاد به الککل هم به مراتب دشوارتر است؛ روند روان‌درمانی معمولاً شش ماه تا یک سال طول می‌کشد و درمان

دروانی آن نیز پیچیده‌تر است. از نظر عصبی، این افراد دچار مشکلاتی مانند تشنج، اضطراب و افسردگی می‌شوند که کنترل آنها دشوارتر از سایر مواد اعتیاد است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت عوارض جسمی، روانی و اجتماعی اعتیاد به الککل از سایر مواد بیشتر است».
طبق داده‌های برخی پژوهش‌ها، اعتیاد به الککل در مردان بیشتر به چشم می‌خورد؛ موضوعی که صفاتیان هم به آن تأکید می‌کند: «اعتیاد به الککل در ایران عتاد در میان مردان شایع‌تر است، اما متأسفانه درباره پراکندگی جغرافیایی و استان‌هایی که بیشتر درگیر این نوع اعتیاد هستند، آمار دقیقی وجود ندارد. در مورد مواد مخدر، چون ستاد مبارزه با مواد مخدر زیر نظر ریاست‌جمهوری فعالیت دارد، داده‌ها دقیق‌تر و گسترده‌تر جمع‌آوری می‌شوند، ولی درباره الککل، موضوع تنها در حوزه وزارت بهداشت است و گزارش‌ها محدود به داخل این وزارتخانه باقی می‌مانند. در نتیجه، پایش میدانی مشخصی درباره مصرف الککل در مناطق مختلف کشور وجود ندارد».

نگاه حقوقی

بررسی حقوقی تجاوز جنسی

منتسب به چهره مشهور
پریسا نوپیدی‌فر – کارشناس ارشد تجارت بین الملل / مهدی دواتگری – وکیل پایه یک دادگستری؛ در روزهای اخیر، انتشار خبر تجاوز جنسی منتسب به یکی از بازیگران شناخته‌شده سینما و تلویزیون، افکار عمومی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. فارغ از درستی یا نادرستی اتهام، این پرونده فرصتی فراهم کرده تا بار دیگر به چالش‌های حقوقی، فقهی و رسانه‌ای در مواجهه با جرائم جنسی پرداخته شود.

بخش اول: زنای به عنف در قانون مجازات اسلامی؛ مطابق ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، زنای به عنف از جرائم حدی بوده و مجازات آن اعدام است. تبصره ۲ این ماده، مصادیق عنف را شامل مواردی چون اکراه، تهدید، ترساندن، بیهوشی، مستی، خواب، فریب دختر نابالغ و استفاده از موقعیت قدرت یا شهرت که از مصایق اغفال است، می‌داند. ماده ۱۶۰ نیز ادله اثبات زنا را محدود به شهادت چهار مرد عادل، چهار بار اقرار، علم قاضی می‌داند که در عمل، اثبات زنای به عنف را با دشواری مواجه می‌سازد.

بخش دوم: تحلیل فقهی و جایگاه علم قاضی؛ فقه‌های شیعه از جمله امام خمینی در «تحریر الوسیله» و آیت‌الله مکارم شیرازی، زنای به عنف را از شدیدترین جرائم حدی دانسته‌اند. علم قاضی، به عنوان یکی از ادله اثباتی، در شرایط فقدان علم یا اقرار، می‌تواند مبنای صدور حکم باشد. شهادت قوی به معنای یقین حاصل از قرائن و امارات قوی است و باید مستند، منطقی و قابل دفاع باشد. در پرونده‌های تجاوز، که معمولاً در خلوت رخ می‌دهند، این ابزار نقش حیاتی دارد. قرائتی که می‌توانند علم قاضی را شکل دهند؛ گزارش پزشکی قانونی به‌لحاظ آثار حقوقی و روانی، اظهارات دقیق شاکي، مستندات دیجیتال (پیامک، تماس، ضبط صوت)، رفتار متهم پس از واقعه و شهادت اطرافیان. در صورت به دست نایمان علم قاضی، ممکن است عنوان اتهام به رابطه نامشروع تغییر یابد که تبعات سنگینی برای قربانی‌ان دارد.

بخش سوم: رویه قضائی و نظریه‌های مشورتی؛ همچنین در صورت فقدان شهود یا اقرار، قاضی می‌تواند با اکتا به قرائن قوی، حکم صادر کند. در نشست‌های قضائی نیز مواردی چون مستی، خواب، تهدید و فریب دختر نابالغ، مصادیق عنف دانسته شده‌اند.

بخش چهارم: تعهدات بین‌المللی و خلأهای حقوقی؛ ایران عضو اسناد بین‌المللی

چون میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بر منع خشونت جنسی تأکید دارند.

بخش پنجم: رسانه‌ها و فضائوت زودهنگام؛ انتشار نام و تصویر متهم پیش از صدور حکم قطعی، مصادیق ضائوت زودهنگام و قابل پیگرد قانونی است. مطابق ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات و با توجه به قانون جرائم رایانه‌ای و مطبوعاتی انتشار اطلاعات خصوصی یا اقرا در فضای مجازی جرم‌انگاری شده است.

پرونده اخیر نشان داد که قوانین ایران در زمینه اثبات زنای به عنف، نیازمند اصلاحات جدی هستند. برای بهبود وضعیت موجود، پیشنهاد‌های زیر قابل طرح‌اند: ۱. اصلاح قانون اثبات زنا درباره پذیرش قرائن قوی و علم قاضی به عنوان ادله کافی. ۲. حمایت روانی و حقوقی از قربانیان. ۳. آموزش عمومی درباره خشونت جنسی. ۴. نظارت بر رسانه‌ها. ۵. الحاق به کنوانسیون CEDAW.

برای تقویت حمایت بین‌المللی از زنان.

آگهی دعوت از یستاکاران شرکت فنی مهندسی یویا پردازش پویا رهام درحال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۰۷۱۸۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۸۷۹۶۰ (نوبت سوم) در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه یستاکاران شرکت فنی مهندسی یویا پردازش رهام در حال تصفیه (مسئولیت محدود) که آگهی انحلال آن در صفحه ۱۳ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۳۳۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ درج گردیده است دعوت به عمل می‌آید تا ظرف مدت حداکثر یکسال از تاریخ انتشار آگهی مذبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای علی دافهر به شماره همراه ۰۹۱۲۳۲۱۴۲۳۱ مستقر در آدرس تهران اتون شهیدباایی شرقی کلاهدی ساختمان ۱۹ واحد ۷۸ کیسیتی ۱۶۸۹۶۴۶۳۸ مراجعه نمایند بدینیه است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت متعسکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.

شرکت فنی مهندسی یویا پردازش رهام (مسئولیت محدود) در حال تصفیه

آگهی مزایده (نوبت اول)
شرکت پیشگامان توسعه ماندگار در نظر دارد دو دستگاه خودرو (وانت مزدا ۵ ۲۰۰۵ دو کابین مدل ۱۳۸۵ و پژو ۴۰۵ slx مدل ۱۳۹۳) را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند . لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ با مراجعه به نماینده شرکت پیشگامان توسعه ماندگار نسبت به خرید اسناد مزایده اقدام و اسناد خریداری شده را تکمیل و به همراه مدارک خواسته شده تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ به دبیرخانه شرکت پیشگامان توسعه ماندگار واقع در استان تهران، خیابان شهید موسوی، خیابان فجر، کوچه مدائن، پلاک ۱۶ ، طبقه ۴ واحد ۱۱ کیسیتی ۱۵۸۸۷۶۴۳۳ ارسال نمایند.
لازم به ذکر است شرایط شرکت درمزایده در اسناد مربوطه تعیین و مشخص شده است .
(شرکت در رد یا قبول هر یک با تمام پیشنهادها مختار است) .
همچنین متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند در وقت اداری با شماره تلفن ۰۲۱۸۸۸۲۴۵۳۲ تماس حاصل فرمایند.